

۱۷ تیر ۱۳۹۶

پرهیز از فرافکنی و برخورد منصفانه‌تر با شریعتی

رضا علیجانی

()

گفت‌وگو دکتر سروش دباغ با سایت زیتون با عنوان «شریعتی، کویریات و دوران پسا-ارشاد (<http://zeitoons.com/31323>)» و مکاتبات بعدی ایشان با نگارنده در این خصوص، من را بر آن داشت که تاملات و اشاراتی کوتاهی در خصوص این گفت‌وگو داشته باشم.

۱. پیش از هر چیز باید بابت «انصاف و دوری از کینه توزی و فرافکنی خطاهای خویش بر گردن شریعتی» آقای دکتر دباغ و تلقی مثبت ایشان از جریان ملی- مذهبی سپاس‌گزاری کرد.

۲. در رابطه با مقاله معبد به طور خاص و کویریات شریعتی به طور عام با این تلقی آقای دباغ کاملاً همداستان بوده و هستم که به تعبیر ایشان نوعی «گریزپایی امر غایی» و «حس تعلیق» در کویریات و در سراسر زندگی اصیل وی موج می‌زند؛ از اقدام ناتمام به خودکشی در کنار استخرکوهسنگی مشهد در اوان جوانی تا آخرین روزهای عمر.

۳. در رابطه با نگارش متنی در نقد مارکسیسم نیز موید نظر ایشانم. در سلسله مباحث شریعتی شناسی در سال ۷۸ جلساتی چند به بازخوانی و تفسیر مجموعه سه جلدی ساواک در باره شریعتی پرداختم و ضمن تحلیل پروسه ای که ساواک و شریعتی طی کرده اند در باره این نوشته نظرم را گفته ام که این نوشته برای ساواک نوشته شده و از هوشمندی شریعتی در فرار از مصاحبه تلویزیونی (همچون جناب براهنی) حکایت می‌کند. ساواک ایشان را مدتی در سلول شریعتی قرار داد تا شاید وی نیز برای انجام مصاحبه نرم و راضی شود. تفصیل مطلب را در کتاب شریعتی و ساواک که روی سایت قابل دسترس است آورده ام.

۴. با تحلیل دکتر دباغ از دوران ارشاد و اینکه در مرحله بعدی شریعتی گرایش آگزیستانسیالیستی را به افکار خویش «افزود» موافق نیستم. شریعتی در این دوران بنا به علل و دلایلی که در کتاب «بدفهمی یک توجیه ناموفق» آورده‌ام، پروژه نواندیشی دینی اش را از اصلاح دینی (مترادف با اسلام) وارد اصلاح دینی مترادف با تشیع نمود. در این دوران شریعتی بنا به شرایط زمانه و تحت تاثیر آن ادبیات، رمانتیک تر و رادیکال تر شد. اما وی در همان هنگام و در درسهای اسلام شناسی تهران نیز کلاس در باره «آگزیستانسیالیسم» (منتشره در اسلام شناسی تهران جلد اول یعنی مجموعه آثار شماره ۱۶) دارد و یا

در جلد دوم اسلام شناسی (م آ ۱۷) باز هم در باره آگزیستانسیالیسم بحث می کند و هم در نقد مارکسیسم جا به جا با آگزیستانسیالیسم مقایسه می کند. شریعتی در مجموعه آثار بعدی (جلد سوم اسلام شناسی) نیز بارها در باره آگزیستانسیالیسم بحث میکند و در تفسیر داستان خلقت آدم در کل اسلام شناسی ها بارها به آگزیستانسیالیسم بر میگردد.

۵. در همین مقطع (ارشاد) مطالبی به اصطلاح غیرانقلابی! دارد مانند: حج؛ نیایش؛ الیناسیون؛ انسان بی خود؛ زیباترین روح پرسیتنده(در باره امام سجاد)؛ هنر در انتظار موعود؛ قرن ما در جستجوی علی(با تاکید بر شخصیت و رفتار انسانی و چند وجهی علی)؛ ماشین در اسارت ماشینسم؛ چرا اساطیر روح همه تمدنهای دنیاست؟؛ اقبال (با تاکید بر وجوده انسانی و همه جانبه اقبال)؛ علم و اسکولاستیک جدید و... . برای اساس ضمن عنایت به رادیکالتر شدن شریعتی در این مقطع اما با تلخیص و تقلیل شریعتی به چهره کلیشه ای شریعتی اسلام گرا و ایدئولوژیک که دین را از وجوه معنوی و عرفانی اش فروکاست و یا در حوزه فکری (مباحث دینی و غیر دینی اش) فقط به انقلابی گری می اندیشد موافق نیستم. در همین درسهای اسلام شناسی ارشاد(درس یک و دو که با هم در یک درسگفتار منتشر شده)، شریعتی تصریح کرد که امروزه دین را باید در «مثلث اسلام و سوسیالیسم و آگزیستانسیالیسم» شناخت. هر چند شاید «بخشی» از متاثرین شریعتی که من کلا معتقدم «برخوردی سلف سرویسی» با شریعتی داشته اند به وجوه دیگر او در همین دوران بی توجه بوده و آنها را در ظرف غذای اندیشه خویش نکشیده باشند. همانطور که برخی نیز به درویش مسلکی افتادند! من خودم با بعضی از آنها آشنا بوده ام. البته این قسمت در اقلیت قرار داشتند. خود آقای امیر رضایی که یکی از اعضای اصلی دفتر تدوین مجموعه آثارهای شریعتی (به همراه مجید شریف) بوده اند تاکید زیادی بر عرفان داشته و دارند. و البته مجید شریف بنا به آثارش که در مقطع انقلاب و همان سالهای اول انقلاب نوشته است خود نشانه ای از ترکیب هر دو دغدغه اجتماعی و انسانی شریعتی با هم است.

۶. آخرین پاراگراف شریعتی در درس اول و دوم اسلامشناسی تهران چنین است:

«امیدوارم آلهائی که بر آنند تا به درستی و روشنی و کمال، بدانند چه می گویم و چه می خواهم بگویم و ابعاد اساسی اندیشه و ایمانم چیست، رنج خواندن این مآخذ را بر خود هموار نمایند و آنگاه - بر خلاف تعصب "روشنفکران غیر مذهبی" و "مذهبی های غیر روشنفکر"- با در نظر گرفتن اینکه: "ما مسلمانی، اما در این قرن و این نقطه جهان"، به نقد من آغاز نمایند و قوت و ضعف عقیده و تعهدم را ارزیابی کنند و فراموش نکنند که تنها کسانی می توانند این کار را به درستی انجام دهند که در این زمانه و این زمینه خاص بسر می برند و به "جایگاه" تاریخی و اجتماعی و جهانی خود، آگاهی دارند و در جو فکری و فرهنگی "مسلمانی در این قرن" نفس می کشند، و آن جوی است در درون مثلث: "سوسیالیسم، آگزیستانسیالیسم، و اسلام" ...»

۷. با مقایسه شریعتی و سپهری و فروغ کاملاً هم‌دلم و معتقدم این مقایسه نیکو نشانی از تفتن دکتر سروش دباغ بر شخصیت درونی و دغدغه‌های وجودی شریعتی دارد که به گمان من در هر سه دوره حیات فکری شریعتی و در جای جای آثار او خود می‌نمایاند.

۸. در رابطه با «مغالطه زمان پریشی» هر چند دغدغه‌های دکتر دباغ را می‌فهمم اما با آن موافق نیستم و در رابطه با شریعتی «دقیق» نمی‌دانم. شریعتی خود بر این اشکال وقوف داشت و در بحث «اسلام انطباقی» و «اسلام تطبیقی» بدان اشاره میکرد. یکی از گروه‌های طرفدار شریعتی (آرمان) در سال ۵۹ کتابچه‌ای تحت همین عنوان داشت. یک بار نویسنده یا متفکری قصد انطباق اسلام با علم مدرن و یا هر مقوله مدرن دیگر را دارد؛ این از نظر شریعتی با تصریحات موکد وی، امری نادرست است. شریعتی خود حتی گاهی اوقات با طنز و طعن با آن مواجه می‌شود! اما وی از مقوله دیگری به نام «تطبیق» استفاده میکند. من فکر می‌کنم این نگاه درست‌تر و عمیق‌تری در نسبت دادن تاریخ گذشته به تاریخ امروز است.

در کل ما می‌توانیم سه نوع نگاه به «نسبت بین حال (مدرن) با گذشته (سنتی)» داشته باشیم:

الف- «نگاه پیوستی» که به همین مغالطه که اشاره کرده‌اید منجر می‌شود.

ب- «نگاه گسستی» که به گمان من نگاهی نادرست به تاریخ است و بر گسست معرفتی-زیستی (اقتصادی-سیاسی-اجتماعی) بین دو جهان تأکیدی اغراق‌آمیز دارد و پیوستگی‌های بین آنها را نمی‌بیند و تاریخ را مثله می‌کند.

پ- نگاه سوم رویکرد «پیوستی-گسستی» به تاریخ است. هیچ اندیشه جدیدی نیست که «هیچ» ردی در گذشته نداشته باشد. اندیشه عدالت و سوسیالیسم و دموکراسی و حقوق بشر و ... همگی ردپاهایی در دنیای قدیم دارند. شاید بتوان تشبیه به نگاه تکاملی داروین کرد که همه موجودات ضمن اتصال به گذشته اما تکامل می‌یابند و گاه دچار جهش تکاملی هم میشوند. فکر میکنم جهان اندیشه (در یک ارتباط دیالکتیکی با جهان زندگی بشری) نیز همین داستان را دارد. کتاب «تاریخ سوسیالیسم ها» (نوشته رنه سدی یو) مثلاً، تاریخ اندیشه عدالتخواهی و سوسیالیسم را در ادوار مختلف تاریخ علیرغم تفاوت‌های جدی شان دنبال کرده است. و یا مثلاً در دنیای قدیم یک نگاه سیاسی بود که منبع مشروعیت را تغلیب (غلبه بر مردم و دیگر رقبای سیاسی) می‌دید و البته نگاه دیگری هم بود که به رضایت مردم (در اسلام؛ در حد بیعت و شورا) توجه داشت. نگاه دوم با نگاه دموکراسی کنونی متفاوت است و متعلق به زیست جهان دیگری است اما طبیعی است که نگاه سنتی دوم نسبت به نگاه اول همسویی و تجانس بیشتری با دموکراسی مدرن دارد.

همچنین برخی مورخان تاریخ دموکراسی گفته اند «یکتاپرستی» که همه انسانها را آفریده یک خداوند و در برابر او برابر می دانست گام مهمی بشریت را به دموکراسی نزدیک کرد چرا که تنها یک جهش تکاملی و تکمیلی لازم بود که گفته شود حالا همه این انسانهای برابر هر یک دارای یک رای هستند.

نظر مورد ترجیح بنده نگاه پیوستی- گسستی به تاریخ است. در این نگاه نباید به انطباق مفاهیم مدرن بر مفاهیم قدیم پرداخت اما نباید بین دو جهان قدیم و جدید هم خندقی عظیم و غیرقابل عبور تصور کرد. انسان امروز همچنان از هومر و فردوسی و مولوی و حافظ بهره مند میشود ضمن تفتنی که به تفاوت های بین جهان خود و جهان آنان دارد (دو پل بزرگ بین این دو جهان؛ یکی «انسان» است و دغدغه ها و نیازهایش و دیگری «جامعه» انسانی است با نیازها و مشکلاتش و هر چه به این دو مهم برگردد می تواند برفراز قرون و زیست جهان های مختلف سیر و سفر کند و مورد ارجاع و توجه قرار گیرد). بر این اساس می توان نگاهی تطبیقی به نسبت بین برخی عناصر جهان قدیم و جدید داشت. و به گمان من شریعتی چنین کرده و بر خطا و مغالطه زمان پریشی متفطن بوده است.

۹. با جمع بندی آقای دباغ نیز درباره سوسیال دموکراسی شریعتی (البته با درونمایه اخلاقی و معنوی) کاملاً موافقم و آن را علامت مطالعه بیشتر و منصفانه تر آثار شریعتی می دانم و احترام می گذارم.

۱۰. با جمع بندی نهایی ایشان هم درباره ضرورت بازخوانی شریعتی در امتداد همین نگاه (سوسیال دموکراسی اخلاقی و معنوی) همداستانم و توجه به «کاپیتالیسیم عنان گسیخته» را به شدت قابل تقدیر می دانم چرا که فکر می کنم یک نقیصه حرکت اصلاحی و جنبش سبز و افکاری که یاری سان این حرکات بوده اند غفلت از مقوله عدالت بوده است. بر این اساس است که در یادمان چهلمین ساگشت درگذشت دکتر شریعتی شعار بازگشت به عدالت را برگزیده ایم.

به امید دیدار



اشتراک گذاری این مطلب:

Telegram (<http://zeitoons.com/32001?share=telegram&nb=1>)

فیسبوک (<http://zeitoons.com/32001?share=facebook&nb=1>)

توییتر (<http://zeitoons.com/32001?share=twitter&nb=1>)